

طریق عدالت

(درس چهل و یکم)

LESSON 41

THE WAY OF RIGHTEOUSNESS

بی ایمانی بنی اسرائیل

THE ISRAELITES' UNBELIEF

اعداد ۱۳، ۱۴

سلام بر شما شنوندگان عزیز. در نام خدا، خداوند آرامش، که می‌خواهد هر یک از شما راه عدالت را که او خود تعیین کرده است، درک کرده و تسلیم آن شوید، و تا به ابد با او آرامش داشته باشید برنامه خود را آغاز می‌کنیم. بسیار خوشحالیم از اینکه باری دیگر برنامه طریق عدالت را به شما تقدیم می‌کنیم.

به بررسی خود از تورات ادامه می‌دهیم. همانگونه که می‌دانید تورات اولین قسمت از نوشته‌های انبیا است و خود شامل پنج کتاب یا قسمت می‌باشد. در کتاب اول که پیدایش نام دارد، دیدیم که چگونه گناه وارد جهان شد، و با خود رنج و مرگ و محکومیت را به این دنیا آورد. اما دیدیم که خدا نقشه‌ای کشید تا آدم و فرزندان او را از عقوبت گناه، آتش ابدی جهنم نجات دهد. دیدیم که خدا وعده داد تا نجات‌دهنده‌ای بفرستد تا به جای گناهکاران بمیرد و بدینسان خدا بدون اینکه ذات قدوس خود را نادیده انگارد گناهان آنها را ببخشد. همچنین کتاب پیدایش به ما آموخت که خدا ابراهیم را برگزید و به او وعده داد تا امتی عظیم از او بوجود آورد، امتی که از آن انبیا و نجات‌دهنده دنیا ظهور خواهند کرد.

در کتاب دوم تورات که خروج نامیده شده است می‌بینیم که خدا فرزندان ابراهیم، بنی اسرائیل را به دستان نبی خود، موسی از بردگی و اسارت در سرزمین مصر نجات داد. خدا طوایف بنی اسرائیل را از مصر بیرون آورد و به کوه سینا در بیابان آورد، جاییکه فرامین خود را به آنها اعطا کرد و راه خون قربانی‌ای را که توسط آن گناهان آنها آمرزیده می‌شد به آنها آموخت.

در درس گذشته دیدیم که خدا به موسی و بنی اسرائیل فرمان داد خیمه زیبای اجتماع را بسازند تا او در میان آنها ساکن شود. به محض اینکه همه چیز آماده شد «ابر خیمه اجتماع را پوشانید و جلال خداوند مسکن را بر ساخت.» (خروج ۳۴:۴۰) خدا در واقع بر بنی اسرائیل آشکار ساخت که او می‌خواهد رابطه‌ای

نزدیک با آنها داشته باشد، اما هیچکس نمی‌توانست به او نزدیک شود مگر به واسطه خون قربانی که بر مذبح خیمه اجتماع به او تقدیم می‌شد. خیمه اجتماع به همراه حیوانات قربانی تنها سایه و تصویری از نجات‌دهنده‌ای بودند که از آسمان می‌آمد و در زمین ساکن می‌شد و خون خود را به عنوان قربانی می‌ریخت.

در قسمت سوم تورات، که لاویان (قوانین مربوط به سبط لاوی) نام دارد، خدا به موسی الهام بخشید تا قوانین مربوط به تقدیم قربانی‌هایی که پوششی برای گناهان بود به تفصیل و با جزئیات کامل بنویسد. این کتاب بسیار عمیق است، و وقت کافی نداریم که تمام مطالب آن را بررسی کنیم. پیغام کل کتاب در این دو واژه خلاصه می‌شود. دو واژه بارز در این کتاب «قدوس» و «خون» هستند. چرا این کلمات به کرات در این کتاب تکرار می‌شوند؟ زیرا یکی از مهمترین پیغامهایی که انسان می‌تواند درک کند این است که 'خدا قدوس است'، و «بدون ریختن خون آمرزش (گناهان) نیست!» (عبرانیان ۹: ۲۲) ارزش کتاب سوم تورات در این است که خدا در این کتاب می‌خواهد به بنی‌اسرائیل بیاموزد که چگونه يك گناهکاری که به گناه آلوده است می‌تواند به خدایی که قدوس است نزدیک شود. خدا به وضوح نشان داد که هیچکس نمی‌تواند به او نزدیک شود، مگر توسط خون قربانی، قربانی‌ای که سایه‌ای بود از نجات‌دهنده قدوس که به این دنیا می‌آمد و جان خود را به جهت گناهکاران می‌داد تا کفار گناهان آنها را بپردازد.

بیا بید باقیمانده وقت امروز را به بخش تورات موسی، یعنی کتاب اعداد اختصاص دهیم. در این کتاب، خواهیم دید که بنی‌اسرائیل به مدت يك سال در پای کوه سینا زندگی کردند. در طول این يك سال خدا چیزهای بسیاری به آنها آموخت، و به موسی الهام بخشید تا قسمت اعظم کتاب تورات را که امروز از آن می‌خوانیم بنویسد.

با اینحال خدا نمی‌خواست بنی‌اسرائیل تا به ابد در بیابان زندگی کند. به همین خاطر است که روزی خدا آنها را به حرکت و داشت تا به سوی سرزمینی که به آنها وعده داده بود رهسپار شوند، یعنی سرزمین کنعان. کتاب مقدس به ما می‌گوید، در روزی که آنها سینا را ترک کردند، ابر جلال خدا که خیمه اجتماع را پوشانیده بود بالا رفت و در جلوی آنها حرکت کرد. خداوند خود در روز در ابر و در شب در ستون آتش آنها را هدایت می‌کرد و راه را به آنها نشان می‌داد.

از این رو، بنی‌اسرائیل در روز در پشت ابر و در شب در پشت ستون آتش حرکت می‌کرد تا اینکه به مرزهای کنعان رسیدند، سرزمینی که خدا سالها قبل آن را به ابراهیم و فرزندانش وعده داده بود. خدا هیچگاه وعده‌های خود را فراموش نمیدکند. بنی‌اسرائیل به خاطر وفاداری و قدرت خدا، به مرزهای کنعان که امروزه فلسطین یا اسرائیل نامیده می‌شود رسیدند.

با اینحال، کنعان ساکنان بسیاری داشت. مردم کنعان هم تعدادشان زیاد بود و هم قدرت زیادی داشتند.

پس چگونه بنی اسرائیل می‌توانستند آن سرزمین را تصاحب کنند؟ تنها یک راه وجود داشت: خدا آن سرزمین را به آنها می‌داد. برای خدا هیچ کار مشکلی وجود ندارد! خدا به ابراهیم وعده داده بود که سرزمین کنعان را به فرزندان او خواهد بخشید. خدا قصد داشت مردم کنعان را نابود کند و این سرزمین را به فرزندان ابراهیم، اسرائیل ببخشد. بسیار مهم است که بدانیم مردمان کنعان بسیار گناهکار و شرور بودند. فساد آنها بسیار آشکار بود به حدی که حتی فرزندان خود را برای خدایان دروغین خود قربانی می‌کردند. خدا نسبت به مردم کنعان بسیار صبور بود، اما آنها به خواسته‌های شرم‌آور و گناه‌آلود خود ادامه دادند. بنابراین خدا قصد داشت سرزمین آنها را به قوم اسرائیل بدهد.

پس بیایید قسمت چهارم تورات را بخوانیم و ببینیم هنگامی که بنی اسرائیل به مرزهای کنعان رسیدند چه اتفاقی افتاد. در باب سیزده کتاب اعداد نوشته شده است:

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت: «کسان بفرست تا زمین کنعان را که به بنی اسرائیل دادم، جاسوسی کنند، یک نفر را از هر سبط آبای ایشان که هر کدام در میان ایشان سرو باشد، بفرستید.» پس موسی به فرمان خداوند، ایشان را از صحرائی فاران فرستاد.... پس رفته زمین را ... جاسوسی کردند. (اعداد ۱۳: ۱-۳، ۲۱)

و بعد از چهل روز از جاسوسی زمین برگشتند. و روانه شده، نزد موسی و هارون و تمامی جماعت خبر آوردند، و میوه زمین را به ایشان نشان دادند. و برای او حکایت کرده گفتند: «به زمینی که ما را فرستادی رفتیم، و به درستی که به شیر و شهد جاری است، و میوه‌اش این است. لیکن مردمانی که در سرزمین ساکنند زور آوردند، و شهرهایش حصاردار و بسیار عظیم، و بنی‌عناق را نیز در آنجا دیدیم. و عمالقه در زمین جنوب ساکنند، و حتیان و بیوسیان و اموریان در کوهستان سکونت دارند. و کنعانیان نزد دریا و بر کناره اردن ساکنند.» (اعداد ۱۳: ۲۵-۲۹)

و کالیب قوم را پیش موسی خاموش ساخته، گفت: «فی‌الغور برویم و آن را در تصرف آریم، زیرا که می‌توانیم بر آن غالب شویم.» اما آن کسانی که با وی رفته بودند گفتند: «نمی‌توانیم با این قوم مقابله نماییم، زیرا که ایشان از ما قوی‌ترند.» و درباره زمینی که آن را جاسوسی کرده بودند، خبر بد نزد بنی اسرائیل آورده گفتند: «زمینی که برای جاسوسی آن از آن گذشتیم زمینی است که ساکنان خود را می‌خورد، و تمامی قوم را که در آن دیدیم، مردان بلند قد بودند. و در آنجا جباران بنی‌عناق را دیدیم که اولاد جبارانند، و ما در نظر خود مثل ملخ بودیم و همچنین در نظر ایشان می‌نمودیم.» (اعداد ۱۳: ۳۰-۳۳)

(۱۴) و تمامی جماعت آواز خود را بلند کرده، فریاد نمودند. و قوم در آن شب می‌گریستند. و جمیع بنی اسرائیل بر موسی و هارون همه‌مه کردند، و تمامی جماعت به ایشان گفتند: «کاش که در زمین مصر می‌مردیم یا در این صحرا وفات می‌یافتیم! و چرا خداوند ما را به این سرزمین می‌آورد تا به دم شمشیر

بیفتیم، و زنان ما اطفال ما به یغما برده شوند؟ آیا برگشتن به مصر برای ما بهتر نیست؟» و به یکدیگر گفتند: «سرداری برای خود مقرر کرده، به مصر برگردیم.» پس موسی و هارون به حضور تمامی گروه جماعت بنی اسرائیل به راه افتادند. و یوشع بن نون و کالیب بن یفنه که از جاسوسان زمین بودند رخت خود را دریدند. و تمامی جماعت بنی اسرائیل را خطاب کرده گفتند: «زمینی که برای جاسوسی آن از آن عبور نمودیم زمین بسیار بسیر خوبی است. اگر خداوند از ما راضی است ما را به این زمین آورده، آن را به ما خواهد بخشید، زمینی که به شیر و شهد جاریست. زنهار از خداوند متمرّد نشوید، و از اهل زمین ترسان مباشید، زیرا که ایشان خوراک ما هستند، سایه ایشان از ایشان گذشته است، و خداوند با ماست از ایشان مترسید.» (اعداد ۱۴: ۱-۹)

لیکن تمامی جماعت گفتند که باید ایشان را سنگسار کنند. آنگاه جلال در خداوند در خیمه اجتماع بر تمامی بنی اسرائیل ظاهر شد. و خداوند به موسی گفت: «تا به کی این قوم مرا اهانت نمایند؟ و تا به کی با وجود همه آیاتی که در میان ایشان نموده‌ام، به من ایمان نیاورند؟» (اعداد ۱۴: ۱۰-۱۱)

بیایید قدری در اینجا فکر کنیم. آیا شنیدید که بنی اسرائیل چگونه از خدا تخطی کردند؟ آیا بی‌ایمانی ایشان را می‌بینید؟ آیا متوجه شدید که به خدا تهمت زدند که از کلام خود برگشته است؟ بله، بنی اسرائیل در آن روز گناه بزرگی مرتکب شدند زیرا به وعده خدا ایمان نداشتند، وعده‌ای که طبق آن خدا سرزمین کنعان را به آنها می‌داد. آنها به آنچه خدا به ابراهیم، اسحاق، یعقوب، یوسف و موسی وعده داده بود ایمان نداشتند. آنها مانند بسیاری از مردم روزگار ما هستند که می‌گویند، «ما به خدا و انبیای آنها ایمان داریم» اما با اینحال به خدا و انبیای او ایمان نداشتند! چرا؟ زیرا به آنچه خدا توسط انبیا و کلامش گفته است ایمان ندارند! بی‌ایمانی در نظر خدا گناه وحشتناکی است.

به اندازه کافی گفتیم. بیایید ادامه متن را بخوانیم:

و خداوند موسی و هارون را خطاب کرده گفت: «تا به کی این جماعت شریر را که بر من هممه می‌کنند متحمل بشوم؟ همه بنی اسرائیل را که بر من هممه می‌کنند شنیدم. به ایشان بگو خداوند می‌گوید: به حیات خودم قسم که چنانکه شما در گوش من گفتید، همچنان با شما عمل خواهم نمود. لاشه‌های شما در این صحرا خواهد افتاد، و جمیع شمرده‌شدگان شما بر حسب تمامی عدد شما، از بیست ساله و بالاتر که بر من هممه کرده‌اید. شما به زمینی که درباره آن دست خود را بلند کردم که شما را در آن ساکن گردانم، هرگز داخل نخواهید شد، مگر کالیب بن یفنه و یوشع بن نون. اما اطفال شما که درباره آنها گفتید که به یغما برده خواهند شد، ایشان را داخل خواهم کرد و ایشان زمینی را که شما رد کردید، خواهند دانست. لیکن لاشه‌های شما در این صحرا خواهد افتاد ... من که بیهوش هستم، گفتم که البته این را به تمامی این جماعت شریر که به ضد من جمع شده‌اند خواهم کرد و در این صحرا تلف شده در اینجا خواهند مرد.» (اعداد ۱۴: ۲۶-۳۲،

(۳۵)

و اما آن کسانی که موسی برای جاسوسی به زمین فرستاده بود و ایشان چون برگشتند خبر بد درباره زمین آوردند تمامی جماعت را از او گله‌مند ساختند. آن کسانی که این خبر بد را درباره زمین آورده بودند به حضور خداوند از وبا مردند. اما یوشع بن نون و کالیب بن یفنه از جمله آنانی که برای جاسوسی زمین رفته بودند زنده ماندند. (زیرا به کلام خدا ایمان داشتند.) (اعداد ۱۴: ۳۶-۳۸)

بنابر این می‌بینیم که بنی‌اسرائیل با وجود اینکه خداوند آنها را از چنگال فرعون رهانیده بود و تا مرز کنعان هدایت کرده بود، از ایمان آوردن به او سر باز زدند. خدا با آنانی که به او ایمان نیاوردند چه کرد؟ آنها را به مرگ در بیابان محکوم کرد! چرا این نسل از اسرائیل به سرزمین کنعان وارد نشدند؟ زیرا به کلام خدا ایمان نداشتند!

دوستان عزیز، ایمان نیاوردن به کلام خدا فاجه‌ای بس عظیم است. خدا باید هر کسی را که به او ایمان نمی‌آورد محکوم کند! هر کس که نسبت به آنچه خدا در کلام مقدسش گفته است بی‌تفاوت باشد دروغگو است و هیچ سهمی در پادشاهی ابدی ندارد! البته اراده خدا این نیست که همه در بی‌ایمانی هلاک گردند. خدا می‌خواهد همه به خبر خوش او درباره راه نجاتی که مهیا کرده است ایمان بیاورند. اما هر کسی باید برای خود تصمیم بگیرد. تمام کسانی که از ایمان آوردن به کلام خدا سر باز می‌زنند هلاک خواهند شد. به هشاری که کلام خدا توسط روح قدوس خود در انبیا اعلام کرده است توجه کنید:

«امروز اگر آواز او را بشنوید، دل خود را سخت مسازید، چنانکه در وقت جنبش دادن خشم او در بیابان، ... ای برادران با حذر باشید مبادا در یکی از شما دل شریب و بی‌ایمان باشد که از خدای حی مرتد شوید!» (عبرانیان ۷: ۳، ۸، ۱۲؛ مزامیر ۹۵: ۷-۱۱)

شنوندگان عزیز، از اینکه به برنامه ما توجه کردید سپاسگذاریم. به یاری خدا در برنامه آینده خواهیم دید تمام کسانی که به کلام خدا ایمان نیاوردند در بیابان هلاک شدند، درست همانگونه که خدا حکم کرده بود ... خدا به شما برکت دهد. به این هشدار از کتاب مقدس توجه نمایید:

«ای برادران با حذر باشید مبادا در یکی از شما دل شریب و بی‌ایمان باشد که از خدای حی مرتد شوید!» (عبرانیان ۳: ۱۲)